

Post-earthquake pathology and the development of urban context with a critical view (Case study earthquake affected townships of Kermanshah province)

Farzad Parhodeh

Ph.D. student in Sociology of Iranian Social Issues, Bu Ali Sina University of Hamadan.

Secretary of Social Sciences, Kermanshah, Iran.

(Corresponding Author). fparhode66@gmail.com

Abstract

The purpose of this article; Pathology (social, economic, cultural and psychological) after the earthquake and the development of the urban physical and psychological fabric of the earthquake-affected areas of Kermanshah province has been viewed with a critical eye. The people living and present at the time of the earthquake in November 2017 were in three townships: Gilan-e gharb, Sarpol Zahab and Salas Babajani. The statistical sample included 30 people from the studied people in the three mentioned townships. Field data was collected through sampling. Theoretical and non-structured interviews were collected from 30 residents until theoretical saturation (failure to achieve new results) using the foundation's data theory method in three coded groups (text, concept and category). Research findings; It shows that after four years of the earthquake phenomenon, nearly 85% of residential houses, educational and religious centers, workshops and shops in Sarpol Zahab, Salas Babajani and Gilan-e gharb townships have been repaired and reconstructed, so that a new architecture and texture in the two townships Sarpol Zahab and Salas Babajani have been formed. But in terms of social, economic, mental and psychological damages; Most of the households are in distress due to economic problems, unemployment during the earthquake and corona, repayment of construction loans, rents and burden of support. From a spiritual point of view, the mental and psychological consequences are still permanent in the areas that were most affected, so that according to the urban-social theories, one of the most important factors after natural and human damage in any region is to pay attention to the spiritual reconstruction and pay special attention to the narrative of the survivors in Batn. It is an accident that less attention has been paid to this matter in these areas, and the views after the earthquake have been mostly engineering, technocratic and physical views rather than narrative and cultural views.

Keyword: Earthquake, pathology, city texture, technocratic view, narrative view

آسیب‌شناسی پسا زلزله و توسعه بافت شهری با نگاهی انتقادی

(مورد مطالعه شهرستان‌های زلزله زده استان کرمانشاه)

فرزاد پرهوده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، دبیر علوم اجتماعی، کرمانشاه، ایران.

(نویسنده مسئول) fparhode66@gmail.com

چکیده

هدف مقاله حاضر، آسیب‌شناسی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی) پس از زلزله و توسعه بافت فیزیکی و روانی شهری مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه با نگاهی انتقادی بوده است. روش تحقیق مطالعه، به شکلی کیفی-میدانی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی افراد ساکن و حاضر در زمان وقوع زلزله در آبان ماه سال ۱۳۹۶ در سه شهرستان؛ گیلان‌غرب، سرپل‌ذهاب و ثلاث‌باباجانی بوده است. نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از افراد مورد مطالعه در سه شهرستان مذکور بوده است. داده‌های میدانی از راه نمونه‌گیری نظری و مصاحبه غیرساختارمند، تا اشباع نظری (عدم دستیابی به نتیجه تازه) با استفاده از روش نظریه داده بنیاد در سه گروه کدگذاری شده (متن، مفهوم و مقوله) جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بعد از گذشت چهار سال از پدیده زلزله، نزدیک به ۸۵٪ خانه‌های مسکونی، مراکز آموزشی، مذهبی، کارگاه‌ها و مغازه‌ها در شهرستان‌های سرپل‌ذهاب، ثلاث‌باباجانی و گیلان‌غرب تعمیر و بازسازی شده‌اند، به گونه‌ای که معماری و بافت جدیدی در دو شهرستان سرپل‌ذهاب و ثلاث‌باباجانی شکل گرفته است، اما به لحاظ آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی، اغلب خانوارها به دلیل مشکلات اقتصادی، بیکاری‌های دوران زلزله و کرونا، بازپرداخت وام‌های ساخت و ساز، اجاره نشینی‌ها و بار تکفل در مضیقه هستند. به لحاظ روحی و روانی هنوز پیامدهای روحی و روانی در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر بوده‌اند ماندگار است. بر طبق نظریات شهری-اجتماعی یکی از مهمترین فاکتورها پس از آسیب‌های طبیعی و انسانی در هر منطقه‌ای توجه به بازسازی روحی و نگاه ویژه به روایت بازماندگان در بطن حادثه است که در این مناطق به این امر کمتر توجه شده است و نگاه‌های پس از زلزله بیشتر نگاه‌های مهندسی، فن سالارانه و کالبدی بوده است تا نگاه روایتی و فرهنگی.

کلید واژه‌ها: زلزله، آسیب‌شناسی، بافت شهر، نگاه فن سالار، نگاه روایتی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه

فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۲، شماره ۱، ص ۴۶-۶۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

۱- مقدمه و بیان مسئله

انسان همواره در معرض بحران‌های طبیعی (سیل، زلزله و...) و انسانی (جنگ و آتش‌سوزی) قرار دارد و برخلاف بحران‌های انسانی، علم بشر تا به امروز قادر نبوده است که برخی از حوادث طبیعی مثل آتشفشان، زلزله... را پیش‌بینی و آنها را به تسخیر خود در آورد. اما انسانها با مدیریت صحیح همواره توانسته‌اند از شدت تبعات و تلفات این وقایع بکاهند.

هر ساله در سراسر جهان شاهد وقوع حوادث طبیعی از قبیل سیل^۱، زلزله^۲، آتشفشانی^۳، سونامی^۴ و... هستیم و کشورهایی در این زمینه موفق بوده‌اند که تدابیر لازم قبل از وقوع هر حادثه‌ای در جهان اندیشیده‌اند. یکی از کشورهای حادثه‌خیز در بین کشورهای جهان، کشور ایران است که همواره در معرض وقوع این حوادث از جمله سیل، زلزله، طوفان و... قرار گرفته است. زلزله؛ نوعی بلایای طبیعی و به لرزش ناگهانی زمین می‌گویند که ناشی از عبور امواج لرزه‌ای از میان صخره‌های زمین است که نوعی انرژی ذخیره شده در پوسته زمین به طور ناگهانی آزاد می‌شود و توده‌های سنگی را دچار شکستگی و لغزش خواهد کرد.

جدول ۱. تجربه برخی از کشورها از زلزله

چین؛ کشوری فعال از نظر زمین لرزه و با بیشترین جمعیت جهان، تقریباً نیمی از کل مرگ و میر زلزله را تشکیل می‌دهد. بازسازی پس از زلزله در چین ارزان‌تر از قیمت در نزدیکی ژاپن است، اما با بیش از ۱.۳ میلیارد نفر در این کشور، احتمال تلفات جانی و مالی بسیار زیاد است. یکی از وحشیانه‌ترین زمین لرزه‌های چین در حافظه اخیر، زمین لرزه‌ای به بزرگی ۷.۵ ریشتر که در سال ۱۹۷۶ در تانگشان رخ داد، باعث کشته شدن ۲۴۲،۷۶۹ نفر شد (براک و کوتیکی، ۲۰۱۸).

ژاپن؛ در سال ۲۰۰۷ سیستمی را آغاز کرد که امواج اولیه شوک را از طریق شبکه‌ای با بیش از ۱۰۰۰ لرزه‌سنج در سراسر جزیره تشخیص می‌دهد. قطارها را متوقف می‌کند و چند ثانیه اضافی برای آماده‌سازی لرزش در اختیار مردم قرار می‌دهد. گرچه آن زمان همیشه کافی نیست. همانطور که CNN گزارش داد، زمین لرزه‌ای که در ماه سپتامبر در جزیره شمالی هوکایدو رخ داد، حداقل ۳۹ کشته برجای گذاشت. این لرزش به بزرگی ۶.۷ ریشتر از بدترین حالت ژاپنی‌ها دیده است. در سال ۱۹۲۳ یک زمین لرزه ۷.۹ در توکیو^۵ رخ داد که منجر به کشته شدن ۱۴۲۸۰۷ نفر شد (همان، ۲۰۱۸).

ترکیه؛ زلزله بزرگترین تهدید طبیعی استانبول، بزرگترین شهر این کشور است که در بالای یک خط گسل فعال قرار دارد. هالوک اوزنر^۶ در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال ۲۰۱۷ به رسانه‌های ترکیه گفت: "همه دانشمندان می‌پذیرند که زمین لرزه‌ای به بزرگی بیش از ۷ ریشتر در اطراف منطقه مرمره^۸ رخ خواهد داد، اما ما نمی‌توانیم تاریخی برای آن تعیین کنیم." و تنها مواردی که می‌توان انجام داد کاهش خسارات زلزله است. "اما بسیاری از ساختمان‌های این منطقه در لرزه‌ای بزرگ در معرض خرد شدن هستند. در جریان زلزله مرمره که در سال ۱۹۹۹ این منطقه را لرزاند، ۱۸۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۱۳۰۰۰ ساختمان تخریب شدند. امروز، دفتر اتحادیه معماران و مهندسان ترکیه در استانبول^۹ می‌گوید ۲ میلیون ساختمان در این شهر به طور خطرناکی "نا امن هستند (همان، ۲۰۱۸).

1. Floods
2. earthquakes
3. volcanoes
4. tsunamis
5. Brueck & Kotecki
6. Tokyo
7. Haluk Ozner
8. Marmara
9. Istanbul

مکزیک^۱؛ یکی از لرزه‌ای‌ترین کشورهای کره زمین است. این صفحه در بالای سه صفحه بزرگ زمین ساختی روی زمین قرار دارد: صفحه آمریکای شمالی، صفحه کوکوس و صفحه اقیانوس آرام، مکزیکوسیتی نیز در بستر دریاچه‌ای سابق واقع شده است که خاک نرم آن می‌تواند اساساً لرزش‌های منطقه را تقویت کند. این باعث می‌شود زمین لرزه‌های کوچک بزرگتر احساس شوند. مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۵ با زلزله ۸.۱ ریشتری مواجه شد و در نتیجه حدود ۹۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند (همان، ۲۰۱۸).

آمریکا؛ در ایالات متحده، ۱۱۲ سال پیش یک زلزله شدید سانفرانسیسکو^۲ را تساوای داد. در طی این فاجعه که باعث پاره شدن ۲۹۶ مایل از خط ساحلی کالیفرنیا^۳ شد و بیشتر ساکنان این شهر را بی‌خانمان کرد، تقریباً ۳۰۰۰ نفر کشته شدند. سانفرانسیسکو به طور مداوم در معرض خطر زمین لرزه است. گسل مشهور سان آندریاس^۴ یکی از هفت منطقه "گسل قابل توجه" در منطقه خلیج است، طبق سازمان زمین شناسی ایالات متحده، در سال ۱۹۸۹ زمین لرزه ۶.۹ ریشتری لوما پریتا^۵ منطقه خلیج را لرزاند و منجر به ۶۲ کشته شد. این شهر ممکن است به زودی منتظر یک لرزش بزرگ دیگر باشد. یک گزارش اخیر حاکی از آن است که در ۳۰ سال آینده ۷۶٪ احتمال دارد منطقه خلیج دچار زلزله‌ای به بزرگی ۷.۰ ریشتر شود. خارج از کالیفرنیا، منطقه سیاتل خطرناکترین نقطه زلزله در ایالات متحده است.

ایران نیز یکی از کشورهای قاره آسیاست که بر روی کمربند زلزله‌خیز قرار دارد و بارها در معرض وقایع طبیعی از جمله زلزله قرار گرفته است. ایران در بین کشورهای جهان در ردیف ششمین کشور زلزله‌خیز جهان قرار دارد. با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد از خاک ایران را گسل‌های فعال تشکیل می‌دهد، به همین جهت وقوع زلزله امری اجتناب ناپذیر است (نگارش، ۱۳۸۲: ۹۳). بررسی آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از زلزله‌های ایران در عمق کم یا متوسط رخ می‌دهند و به همین دلیل خسارات جانی و مالی فراوانی را به دنبال دارند (درویش زاده، ۱۳۷۰: ۸۰۷).

یکی از استان‌های کشور که در آبان ماه ۱۳۹۶ درگیر این پدیده زلزله شد، استان کرمانشاه و بخصوص شهرستان‌های سرپل ذهاب، ثلاث‌باباجانی و گیلان‌غرب بوده است. این پدیده خسارت‌های جانی، مالی، روحی و روانی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی زیادی را به دنبال داشت. زلزله موجب فوت حدود ۶۰۰ نفر، زخمی شدن حدود ۱۰۰۰۰ نفر و بی‌خانمان شدن بیش از ۷۰۰۰۰ نفر شد. زلزله‌ای که علاوه بر تلفات جانی و تخریب ساختمان‌های مسکونی، آموزشی، اداری، مذهبی، تولیدی و... منجر به تعطیلی مدارس، مراکز آموزشی و اداری و نیز تبعات روحی و اقتصادی برای مناطق زلزله‌زده شد. طبق برآوردها خسارت‌های مالی ناشی از زلزله در کل استان کرمانشاه برابر با بودجه ۱۰ سال استان برآورد کرده‌اند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷). امروزه، آسیب‌پذیری در برابر زلزله به دلیل افزایش جمعیت جهان، به ویژه در مناطق شهری با ساختمان‌های مرتفع، اغلب در مکان‌های نامن، در حال افزایش است.

علاوه بر تهدیدهای مستقیم جانی و مالی ناشی از زلزله، تهدیدهای اجتماعی و روانی نیز از جمله مسائلی است که بخشی از خطرهای پنهان زلزله به حساب می‌آید. با روی دادن هر زلزله‌ای، مجموعه زیادی از نظام‌های اقتصادی، فضایی، اجتماعی و فردی تخریب می‌شود و به دنبال آن، تنش‌ها و بحران‌هایی در عرصه اخلاق، روابط

1. Mexico
2. San Francisco.
3. California
4. Andreas
5. Loma Prieta

اجتماعی و ارتباطات، ساخت اقلیمی و زیست جهان افراد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی روی می‌دهد؛ به همین دلیل، پدیده زلزله، علاوه بر ایجاد لرزش و گسل در حوزه فضایی، عامل تخریب حوزه اجتماعی و روانی نیز قلمداد می‌شود (الیاسی، ۱۳۹۸: ۶).

بیکار جهانی کاهش بلایای طبیعی در سال ۱۹۹۷، برنامه سالانه‌ای را در چارچوب "دهه بین‌المللی کاهش بلایا و خشکسالی‌ها" طراحی کرده است. از سوی دیگر بهداشت روانی آسیب‌دیدگان و بازماندگان بلایای طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا که، بود یا نبود بهداشت روانی می‌تواند دارایی و سرمایه‌ای بزرگ و یا سدی نیرومند در راه بهبود مشکلات ناشی از پیامدهای زاینبار بلایای طبیعی در کوتاه مدت و مهمتر از آن در بلندمدت باشد. (گلیک و برین بوم^۱)

جامعه‌شناسی نظم، جامعه را همچون یک کل متشکل از عناصر و نهادهای بسیاری از جمله خانواده و دولت می‌داند که هر کدام از این عناصر کارکردی برای کل دارند. کارکرد گرایان ساختاری بر این باورند وجود نظم در جامعه مستلزم عمل به وظایف توسط اجزا نظام اجتماعی است. بر اساس دیدگاه هربرت اسپنسر، ارگانیسم موجود زنده است که تغییر در یک جزء، دگرگونی در سایر اجزاء را در پی دارد. در هنگام وقوع زلزله نه تنها اجزاء، کارکرد خود را از دست می‌دهند و تغییر می‌کنند؛ بلکه کل نظام اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود و در انجام کارکردها خود با مشکل مواجه می‌شود. همچنین کارکردگرایان بر نقش هنجارها در جامعه تأکید می‌کنند؛ چرا که تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد نظم از مهمترین کارکردهای هنجار است. به اعتقاد «امیل دورکیم، پیامداز هم گسیختگی هنجارها و نیروهای نظارت‌گر اجتماعی وقوع شرایط بی‌هنجاری در جامعه است (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۲، به نقل از وحیدا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). بنابراین با وقوع زلزله شاهد بحرانی هستیم، که هنجارهای متعارف جامعه توسط اعضا پذیرفته نیست و نوعی اخلال در کارکرد نظام و بی‌هنجاری پدید می‌آید و به گفته دورکیم جامعه دچار آنومی و الگوهای نامشخص و متعدد خواهد بود.

تشخیص این دگرگونی معنادار، آن است که نشان دهیم چه اندازه در ساختار زیربنایی یک شی با موقعیت خاص اجتماعی، تغییر به وجود آمده، و تأثیرات این دگرگونی بر ساخت کلی نظام، به چه ترتیب خواهد بود، به اعتقاد گیدنز^۲، «در مورد جوامع انسانی برای تعیین این که یک نظام تا چه اندازه و به چه شیوه‌هایی تغییر می‌کند، باید نشان دهیم، تا چه اندازه تغییر در نهادهای اساسی، طی یک دوره معین با یک فرایند طبیعی غیرقابل پیش‌بینی، به وجود آمده است» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۷۱، به نقل از وحیدا و همکاران، ۱۳۹۱: همان). بر اساس این گفته، جهت سنجش میزان تغییرات بوجود آمده بر اثر زلزله می‌توان تغییرات و دگرگونی‌های ایجاد شده در خانواده؛ از جمله تغییر در ساختار خانواده با مرگ یکی از والدین و تبدیل شدن خانواده گسترده به هسته‌ای را مورد توجه قرار داد. همچنین جامعه‌شناسان نظم اهمیت زیادی به تقسیم کار در جامعه قائل هستند. «دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی خود، تمایزپذیری مشاغل متعدد و فعالیت‌های صنعتی را مظهری از تمایزپذیری اجتماعی می‌داند که با تغییر و تحولات جامعه، آن نیز تغییر و تحول می‌یابد» (آرون، ۱۳۸۱: ۱۳۸، به نقل از وحیدا و همکاران: همان).

1 . Glick & Birnbaum
2 . Giddens

براین اساس، زلزله را می‌توان یکی از عوامل تغییر و تحول نامید که سبب می‌شود تقسیم کار اجتماعی، دستخوش دگرگونی اساسی شود. اگر چه زلزله یک پدیده طبیعی است؛ اما بعد از وقوع، به دلیل آثار اجتماعی متعددی که دارد بدل به یک پدیده اجتماعی می‌گردد و موجب به هم ریختگی کارکرد و ساختارهای نظام اجتماعی و نهادهای درونی آن می‌شود. بر این مبنا، با عاریت گرفتن از آراء نظریه پردازان جامعه‌شناسی نظم و کارکردگرایی ساختاری، تحلیل تغییر و تحولات صورت گرفته در کارکرد و ساختار نهادها، نظام ارزشی و تقسیم کار جوامع ناشی از زلزله دور از ذهن نخواهد بود. همچنین توجه به دیدگاه کنش متقابل نمادین در تحلیل کنش‌ها و واکنش‌های آسیب‌دیدگان، پس از زلزله به منظور شکل دهی مجدد به نظام ارزشی و ساخت‌های اجتماعی مورد نظر است (وحید و سلطانی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳). لذا مطالعه حاضر با اهداف زیر دنبال شده است:

- هدف اصلی تحقیق آسیب‌شناسی و توسعه بافت شهری پس از زلزله (با تأکید بر مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه در آبان ماه ۱۳۹۶) با دیدگاهی انتقادی بوده است.

- اهداف فرعی تحقیق پاسخ به سؤالات زیر بوده است:

پیامدهای اقتصادی و مالی پس از زلزله چه بوده است؟

پیامدهای روحی- روانی پس از زلزله چه بوده است؟

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پس از زلزله چه بوده است؟

پیامدهای زیست محیطی چه بوده است؟

آیا بازسازی مناطق زلزله‌زده اتمام یافته است؟

تاچه اندازه به کنش‌های فرهنگی افراد در بطن فاجعه نگاه شده است؟

آیا نگاه به بافت فیزیکی شهر صرفاً نگاه مهندسی و تکنوکراتیک بوده است یا شهر از نگاه راویان فاجعه ساخته شده است؟

۲- پیشینه تجربی پژوهش

عزیزپور^۱ و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مدیریت بحران شهری در برابر بلایای طبیعی" حاصل از بررسی انجام شده، نشان دادند که اولین عامل وجود نظام ذخیره‌سازی برای مدیریت پشتیبانی امداد و نجات است که شامل ۷ متغیر است. همچنین همبستگی هماهنگی بین سازمان‌های درگیر در بحران بر اساس آزمون کروسکال-والیس (آزمون H) نیز نشان می‌دهد در همه متغیرها معناداری کمتر از ۰.۰۵ و کافی نبودن ساختار تشکیلات مناسب برای هدایت عملیات امداد و نجات در سازمان‌های بررسی شده (فرضیه پژوهش) تأیید می‌شود.

صدیقی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "دولت ایران در ۱۰۰ سال گذشته چقدر صرف بلایا کرده است؟ در یک تحلیل سیاسی-انتقادی" به این نتیجه رسیده‌اند که دولت ایران طی ۱۰۰ سال گذشته حدود ۲۹ میلیارد دلار برای بلایا هزینه کرده است. خشکسالی، زلزله و سیل بیش از سایر بلایا هزینه‌های بیشتری را به

دولت تحمیل کرده است، به ترتیب بیش از ۱۴، ۹.۶ و ۱.۶ میلیارد دلار بودجه به این وقایع اختصاص یافته است. بیشتر هزینه‌های دولت ایران طی ۱۰۰ سال گذشته در بلایای مختلف مانند خشکسالی، سیل، زلزله و کووید ۱۹ در هزینه‌های غیر ارادی از جمله پاسخ و بازبایی هزینه شده است (صدیقی و همکاران، ۲۰۲۰).

رهبر سوره و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "مطالعه موردی زلزله ۶ آوریل ۲۰۰۹ ایتالیا" به این نتیجه دست یافته‌اند که زلزله شدید ۳.۶ ریشتری در ساعت ۳۰.۳ صبح روز ۶ آوریل ۲۰۰۹ شهر لاکویلا و مناطق اطراف آن را در کشور ایتالیا لرزاند. در این زلزله نزدیک به ۳۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر زخمی و بیش از ۲۸۰۰۰ نفر بی‌خانمان شدند. به گفته مسئولین زلزله ۶ آوریل شدیدترین زلزله در طی دهه اخیر در ایتالیا بوده است که در فاصله‌ای به مسافت ۹۵ کیلومتر در شرق رم پایتخت این کشور به وقوع پیوست.

کاوه فیروز و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "نگرش مردم شهر تهران نسبت به زلزله" به این نتیجه دست یافته‌اند که بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که احتمال وقوع زلزله را شنیده‌اند، ولی فقط ۴۵ درصد این احتمال را در حد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. درصد بسیار کمی از پاسخ‌گویان (۲.۹ درصد) میزان اطلاعات خود را در مورد راه‌های پیشگیری و بکار بستن نکات ایمنی در حد زیاد دانسته و فقط ۵.۳ درصد درباره نحوه پیشگیری و مقابله با زلزله اطلاعات خود را در حد زیاد دانسته‌اند. نتیجه‌گیری: علی‌رغم اینکه مردم شهر تهران وقوع زلزله را تا حدی جدی تلقی کرده‌اند، اما میزان آگاهی آنان در زمینه راه‌های مقابله و پیشگیری بسیار اندک می‌باشد.

ابراهیم‌پور (۱۳۸۸)، در یک طرح پژوهشی تحت عنوان "مدیریت بحران و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی زلزله بم در نواحی روستایی آسیب دیده"، پیامدهای جمعیتی این زمین‌لرزه را با حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۰۰ خانوار روستایی بررسی نموده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های کلان و خرد نمایانگر معنی‌داری تفاوت‌ها در سطوح باروری، مهاجرت و جابجایی مکانی، مرگ و میر، اشتغال، نوع ازدواج و درآمد بود. تحلیل‌های تطبیقی نیز رشد مثبت طبیعی و مطلق جمعیت، افزایش جابجایی مکانی، روند صعودی باروری، تغییرات در نسبت‌های جنسی، ازدواج برون‌خویشی، ناهمسان‌همسری، تفاوت در شاخص فعالیت‌های اقتصادی، معیشتی و درآمدی را در مقایسه با شرایط قبل از وقوع نمایان ساختند. همچنین انطباق پویای فرایندهای جمعیتی با روندهای پیشین در بلندمدت، نظمی تمایلی یافته‌اند.

هوور (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "اثرات زلزله در سراسر جهان" به این نتیجه دست یافته است که هنگام وقوع بلایای طبیعی میزان مرگ‌ومیر به‌طور معمول در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر است، اما هزینه کلی در کشورهای پیشرفته بیشتر است. جای تعجب نیست که بهبود برای فقرا و کشورهای در حال توسعه از هر بلایای طبیعی از جمله زلزله سخت‌تر می‌شوند. زلزله یکی از پرهزینه‌ترین بلایای طبیعی در مقیاس جهانی است اما به‌طور خاص برای کشورهای توسعه یافته‌ای مثل ایالات متحده نیست. با نگاه به آینده، کشورهایی که بزرگترین تهدید را به همراه دارند معمولاً کشورهای غیرغربی هستند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع رویکردهای پژوهش کیفی- میدانی بوده است. جامعه آماری شامل تمامی افرادی بوده است که در آذر ماه سال ۱۳۹۶ در سه شهرستان مذکور درگیر زلزله بوده‌اند. نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از عاملین بوده است که به صورت هدفمند و حاضر به مصاحبه شده‌اند، همچنین مشاهده تعدادی از واحدهای مسکونی، مراکز آموزشی، کارگاه‌ها، اماکن مذهبی و... در نقاط زلزله‌زده شهرستان‌های مورد مطالعه بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مشاهدات محقق، یادداشت‌برداری از اسناد موجود، گزارش‌های انجمن جامعه‌شناسی و تیم همراه در سال‌های پس از زلزله و مصاحبه باز و غیرساختمند از شهروندانی بوده است که در بطن حادثه قرار داشته‌اند. میدان جمع‌آوری اطلاعات، سه شهرستان سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب و ثلاث‌باباجانی بوده است. در بحث ملاحظات اخلاقی قبل از گردآوری داده‌ها و روایت عاملان، ضمن توضیح هدف تحقیق و به دور از هرگونه فریب برای عاملین، مشارکت کنندگان با رضایت و آگاهی کافی نسبت به هدف گزارش و محفوظ ماندن مشخصات هویتی آنها و رازداری کامل، با محقق همکاری نمودند.

امرسون و همکارانش (۱۹۹۵) بر این عقیده بوده‌اند که؛ در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل موضوعی یا تماتیک از اهمیت خاصی برخوردار است. تحلیل موضوعی^۱ یا تماتیک ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک شامل مصاحبه‌ها در قالب تبدیل به متن و داده‌های مشاهده‌ای متنی است. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی است، زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آید باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد به عبارتی تم‌ها از داده‌ها سرچشمه می‌گیرند (محمد پور، ۱۳۹۰). الگوهای متعددی برای تحلیل موضوعی وجود دارد که شباهت‌های بسیار زیادی با هم دارند. الگوی ارائه شده توسط استربرگ یکی از کامل‌ترین الگوها می‌باشد که در زیر به اختصار بیان می‌شود (الگوی استربرگ الگوی استفاده شده برای تحلیل تماتیک داده‌ها در این پژوهش می‌باشد): استربرگ^۲ در طرح خود به پنج مرحله به صورت زیر اشاره می‌کند:

۱. مدیریت داده‌ها^۳: تنظیم و ساماندهی داده‌ها

۲. درگیری با داده‌ها^۴: در این مرحله مقدمات تحلیل داده‌ها با انجام یکسری کدگذاری‌ها فراهم می‌شود، مستلزم توجه به مواردی متعدد شامل، کدگذاری باز، توسعه تم‌ها، کدبندی متمرکز می‌باشد.

1 . thematic analysis
2 . Sternberg
3 . managing data
4 . engagement

۳. ترسیم داده‌ها^۱: در این مرحله مقوله‌ها، تم‌ها و الگوهای یافته شده در قالب نقشه‌های داده‌ای^۲ و دیاگرام‌های مفهومی^۳ به تصویر کشیده می‌شود.

۴. توسعه تحلیل^۴: آغاز و توسعه تحلیل‌های مبتنی بر مقوله‌ها و تم‌ها

۵. سنخ‌شناسی^۵: این مرحله آخرین گام تحلیل است. پژوهشگر الگوها را دسته‌بندی کرده و برحسب تفاوت‌ها و شباهت‌ها آنها را سنخ‌بندی می‌کند.

۶. در نتیجه این تحلیل‌ها تحلیل موضوعی باید به مرحله اشباع تماتیک^۶ (همگرایی مفهومی) برسد، پژوهشگر باید بررسی کند که آیا تم‌ها، الگوها و سنخ‌شناسی تا حد امکان از نظر مفهومی اشباع شده‌اند یا خلاً مفهومی وجود دارد (محمد پور، ۱۳۹۰). در این روش محقق به دنبال آزمون فرضیه یا تئوری از پیش معلومی نیست و بدون هیچ نظریه مفروضی و بسته به سؤالات تحقیق (بسته یا باز) به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌کند در نتیجه با جمع‌آوری اطلاعات نسبت به تحلیل و بسط آنها و درک رابطه میان آنها جهت بهره‌گیری از این نتایج در راستای تحلیل در مراحل بعدی، اقدام خواهد کرد.

فرایند اصلی در تکنیک نظریه زمینه‌ای^۷ به عنوان روش تحلیل اطلاعات، فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی از داده‌های خام و استخراج مفاهیم و مقولات اصلی و روابط بین آنها در چارچوب یک تئوری محقق ساخته است که با توجه به شرایط و موقعیت پژوهش نسبت به ارائه آن اقدام خواهد کرد. این فرایند مبنای اصلی تمایز این شیوه از سایر روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش کیفی^۸ است. بر این اساس جهت تحلیل اطلاعات در این شیوه یعنی نظریه زمینه‌ای از سه شیوه کدگذاری استفاده می‌شود ۱. کدگذاری باز^۹ ۲. کدگذاری محوری^{۱۰} ۳. کدگذاری انتخابی^{۱۱} (کوهن و دیگران، ۲۰۰۷).

کدگذاری، روند یا فرایندی است که طی آن داده‌های خام تفکیک، مفهوم‌بندی و ترکیب می‌شوند، به گونه‌ای که حاصل این فرایند بتواند نظریه زمینه‌ای نهایی را ارائه کند. در فرایند کدگذاری واحد تحلیل مفهوم است. کدگذاری باز (متنی) به تولید مفاهیم اولیه منجر می‌شود. در این مرحله می‌توان از واحد تحلیل به صورت سطر به سطر، پاراگراف به پاراگراف و یا صفحه به صفحه استفاده کرد. در این مرحله به هر یک از جملات در سطر، پاراگراف یا صفحه یک کد اختصاص داده می‌شود. کدگذاری محوری (مفهومی) در مرحله دوم یعنی

1 .data display

2 .data map

3 . conceptual framework

4 . development analysis

5 . typology

6 . thematic saturation

7 . grounded theory

8 . qualitative research

9 . open coding

10. axial coding

11. selective coding

کدگذاری محوری، یکی از طبقات به عنوان طبقه محوری انتخاب و تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط سایر طبقات با آن مشخص می شود. کدگذاری انتخابی (مقولات اصلی) در این مرحله به مؤلفه اصلی تحقیق که خیلی از مؤلفه های خردتر حول آن می چرخند دست می یابیم.

۴- یافته ها

مقوله محوری ۱ (انسانی - فرهنگی)	جدول (۲)	مقوله محوری ۲ (اقتصادی - کالبدی)
مفاهیم گروه ۱	پیامد	مفاهیم گروه ۲
۱. تخریب مدرسه ۲. ترک تحصیل ۳. بی انگیزه بودن ۴. عدم امید به آینده ۵. نبود فضای با کیفیت ۶. عدم تنوع محیط ۷. نبود معلم ۸. پایین آمدن سرانه مطالعه ۹. تأخر فرهنگی ۱۰. تزلزل در کنش های متقابل انسانی ۱۱. کسالت معلمان و دانش آموزان ۱۲. دور شدن دانش آموزان از فضای مدرسه و محیط شاد مدرسه ۱۳. تزلزل در اجتماعی شدن در محیط های رسمی ۱۴. مرگ عزیزان، رکود اندیشه		۱. تخریب خانه ۲. تخریب مکان نگهداری دام ۳. تخریب مغازه ها ۴. تخریب کارگاه های تولید ۵. تلف شدن دام ها ۶. فراموشی زمین های زراعی ۷. محدود بودن بلاعوض های مادی ۸. محدود بودن وام های بازسازی و تعمیر ۹. افزایش قیمت مصالح ۱۰. افزایش دستمزد کارگران ماهر و نیمه ماهر ۱۱. بیکاری و نبود درآمد ۱۲. افزایش بار تکفل ۱۳. گرایش به شغل های غیررسمی و غیرتولیدی ۱۴. ضررهای مالی، گرانی ها ۱۵. فقر اضافه شود
مقوله محوری ۳ (روان شناختی)		
مفاهیم گروه ۳		
۱. با اهمیت شدن مفهوم زمان و مکان ۲. بن بست فکری ۳. بی حوصله شدن افراد ۴. بیماری های روحی و روانی ۵. ترس از آینده ۶. ترس از ریزش مجدد سقف ۷. تروماهای ذهنی و خاطرات تلخ ۸. رهاشدگی زیست، یأس و دلزدگی ۹. سردرگمی و تزلزل در شخصیت ۱۰. کاهش تاب آوری		
مقوله محوری ۴ (جامعگی)		

مفاهیم گروه ۴	
خانواده؛	<ol style="list-style-type: none"> ۱. سردی روابط ۲. تغییر روابط ۳. کم توجهی ۴. امرار معاش و سبک متحول ۵. سالمندان رها ۶. کودکان رها ۷. عدم گرایش به ازدواج ۸. ترجیح تنهایی ۹. گسترده شدن مجدد خانوارها
محرومیت؛	<ol style="list-style-type: none"> ۱. حس تبعیض ۲. عدم تعلق ۳. نبود اعتماد ۴. نبود سرمایه اجتماعی ۵. کم‌رنگ شدن پایگاهها ۶. تنهایی زنان بی‌سرپرست ۷. تنهایی کودکان ۸. تنهایی سالمندان
مقوله محوری ۵ (زیست محیطی - بهداشتی)	
مفاهیم گروه ۵	
	<ol style="list-style-type: none"> ۱. فاضلاب‌های سطحی ۲. آلودگی محیط ۳. تغذیه ناسالم و نبود نان ۴. مسمومیت‌های غذایی ۵. فقدان وسایل پخت و پز و فقدان مکان پخت و پز ۶. غذاهای سرد ۷. نبود آب آشامیدن ۸. حمام عمومی ۹. نبود سرویس بهداشتی ۱۰. بیماری‌های زنانه ۱۱. بیماری‌های عمومی ۱۲. آلودگی زیست محیطی

(الیاسی، ۱۳۹۸؛ مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده توسط محقق)

بعد از گذشت چهار سال از رخداد طبیعی زلزله در استان کرمانشاه و شهرستان‌های درگیر این مسئله (سرپل ذهاب، گیلان غرب و ثلاث باباجانی) مشاهدات میدانی از مناطق آسیب‌دیده در شهرهای درگیر، روایت‌های عاملین و افراد درگیر این پدیده در مناطق زلزله‌زده می‌توان نمونه‌ای را به شرح زیر بیان داشت؛

*خانمی ۶۰ ساله می‌گوید: دخترم در دوران زلزله و زمانی که ما درگیر این اتفاق بودیم به خانه بخت رفت و با وجود این شرایط توقعی نداشتیم. الان اجاره‌نشین هستند و شوهرش مدتی است به علت شغل فصلی‌اش بیکار است.

*جوانی ۳۱ ساله می‌گوید؛ در زمان زلزله منزل مسکونی‌مان تخریب شد. بعد از گذشت چند سال در پی امهال بیشتر وام‌ها بودیم که متأسفانه دولت تنها یکی دوسال موافقت کرد. مشکلات جدا از زلزله با کرونا چند برابر شد. من خودم تحصیل کرده رشته عمران هستم ولی هیچ کارایی حتی در دوران بازسازی نداشتیم و نیروی کار از جاهای دیگری برای بازسازی آمده بودند.

*آقای ۴۳ ساله می‌گوید؛ هنوز وعده‌ای که در دوران بازسازی برای اختصاص زمین به اجاره‌نشین‌ها داده شد، محقق نشده است و بانک‌ها هم می‌گویند هنوز بودجه‌ای برای این کار در نظر گرفته نشده است. واقعاً اجاره‌خانه خیلی زیاد است و درآمد کم است. به خرج زن و بچه هم نمی‌رسیم. صاحبخانه هم تقصیری ندارد. به بعضی افراد زمین واگذار شده است اما هزینه ساخت آن را ندارند.

*آقای ۲۷ ساله می‌گوید؛ برای خانه ما تخریب نوشتند و حتی یک سوم پولی که برای بازسازی نیاز بود به خانواده ما ندادند. تازه این پول وام است و باید ماه به ماه پرداخت کنیم چون چندین خانواده به صورت زنجیره‌ای ضامن این وام‌ها هستند و اگر پرداخت نشود به آن جریمه اضافه می‌شود.

*آقای ۴۵ ساله می‌گوید؛ ساخت و ساز منزلمان انجام شده ولی باید وام‌هایی که دادند، ماه به ماه پرداخت شود.

*خانمی ۳۸ ساله می‌گوید؛ شوهرم در بازارچه مرزی کار می‌کند. مقداری پول برای بازسازی خانه به ما دادند ولی هنوز منزلمان نیمه‌کاره است و در پارکینگ آن زندگی می‌کنیم. قول دادند دوباره وام بدهند ولی خبری نشده است.

*خانمی ۱۸ ساله می‌گوید؛ بدترین روزهای زندگی ما دوران زلزله بود، شب و روز خواب نداشتیم. شب‌های اول همه بدون شناخت از هم در خیابان تا صبح بیدار بودیم. بعضی‌ها به اطرافیان‌شان در شهرهای دیگر زنگ می‌زدند و به خانه اقوام می‌رفتند. هیچ کس دیگه خانه و وسیله به فکرش نبود همه به فکر جان‌شان بودند.

*آقای ۲۲ ساله می‌گوید؛ جدا از خانه‌ها حتی برخی قسمت‌های دانشگاه مثل پیام‌نور هنوز تعمیر و بازسازی نشده است.

*آقای ۵۲ ساله می‌گوید؛ دولت کمک‌هایی برای بازسازی کرد اما مقدارش کم بود الان باید آن را پس دهیم.

*خانمی ۱۷ ساله می‌گوید؛ پدرم هنوز از آن شب می‌گوید و متأسفانه عمویم را آن شب در مهمانی در خانه‌های سازمانی (مسکن مهر) از دست دادیم. آن شب کل دیوارهای اطراف ساختمان فرو ریخته بود و نزدیک ۴۰ نفر آنجا فوت شدند.

*خانمی ۳۸ ساله می‌گوید؛ در منطقه‌ای در سرپل ذهاب که دچار بیشترین آسیب شده بود، امروز خدا رو شکر آرامش به خانه‌ها برگشته و با خیال راحت می‌خوابیم.

*پسر بچه‌ای ۱۱ ساله مشغول بازی در محوطه خانه‌های سازمانی می‌گوید؛ آن شب از پنجره خانه بیرون آمدیم و امروز زندگی راحت‌تری نسبت به آن زمان داریم.

*خانمی ۵۰ ساله می‌گوید؛ خانه ما درست شده و الان در خانه خودمان زندگی می‌کنیم، آن زمان بیرون بودیم و سرما زیاد بود و نمی‌شد کاری کرد.

*آقائی ۴۴ ساله می‌گوید؛ خدا را شکر نسبت به قبل منزلمان بهتر و تمیزتر ساخته شده است و با آرامش بیشتری در خانه‌ها زندگی می‌کنیم.

بعد از گذشت چند سال از پدیده زلزله برطبق مشاهدات میدانی در مناطق زلزله‌زده، در برخی مناطق نقیصی در تعمیر و اتمام کار سازمان‌های آموزشی و مسکونی مشاهده می‌شود، اما به‌طور کلی، کار بازسازی و تعمیر خانه‌ها و مسکن مهرها در شهرستان‌های سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی و گیلان غرب به اتمام رسیده است. بخش‌های کالبدی آسیب دیده از زلزله که بازسازی شده‌اند، در شهرهای سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی برعکس گیلان غرب بافت تازه و شکل و شمایل جدید و تازه‌تری به خود گرفته است، به‌طوری که اغلب خانه‌ها با استحکام بیشتر، فرم و بافت تازه‌تر و معماری تازه‌ای در شهرها بخصوص در مسکن‌های سازمانی و آپارتمانی شکل گرفته است. علی‌رغم اینکه معماری شهر و بافت تازه‌ای امروز در شهرهای زلزله‌زده و بخصوص در سرپل ذهاب بعد از بازسازی به چشم می‌خورد اما، بخشی از مردم، مستأجران هستند که فاقد زمین و خانه شخصی هستند و به علت افزایش قیمت اجاره‌بهای خانه‌ها مجبور به اسکان در خانه‌های نیمه کاره، پارکینگ‌ها و بعضاً در کانکس‌ها شده‌اند. برخی هم کانکس‌ها را به محل ساخت و ساز در داخل شهر منتقل نموده‌اند تا خانه نیمه کاره آنها را تکمیل نمایند. این وضعیت در دو شهرستان ثلاث باباجانی و سرپل ذهاب با شدتی مشهودتر نسبت به شهرستان گیلان غرب مشاهده می‌شود.

تقریباً بین ۵ تا ۱۰ درصد خانواده‌ها بخصوص در دو شهرستان ثلاث باباجانی و سرپل ذهاب به علت نداشتن زمین و عملکرد ضعیف نهادهای مربوط در قبال دادن زمین به مستأجران هنوز در کانکس زیست می‌کنند. در برخی مراکز سازمانی مثل دانشگاه‌ها، کار بازسازی و تعمیر ساختمان‌ها به اتمام نرسیده است. علی‌رغم مشکلات روحی و روانی، تروماهای ذهنی^۱ و غم از دست دادن عزیزان در مناطق آسیب‌زده، در شهرها نوعی تاب‌آوری کالبدی و ذهنی مشاهده می‌شود. برخی از ساکنان مناطق به علت‌های مختلف مثل تحریم‌های اقتصادی، بیکاری، فشار

زندگی و گرانی بیش از حد مصالح و کمبود تسهیلات ساخت و ساز مجبور به اسکان در بخشی از خانه نیمه کاره شده‌اند. مسئله‌ای دیگر، فشارهای اقتصادی، بیکاری و نبود شغل برای جوانان مناطق زلزله زده است.

در این شرایط سخت اقتصادی و بیکاری مسئله بازپرداخت وام‌ها که در شهرستان‌های زلزله زده وجود دارد، مزید برگرفتاری و آسیب‌های فکری و روانی خانواده‌ها در منطقه شده است. میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بخصوص در شهر بسیار محدود و این میزان در روستاها به دلیل شغل (دامداری و کشاورزی) ساکنین منطقه در شهرستان‌های زلزله زده بیشتر بوده است. علاوه بر زلزله؛ گرانی، تحریم و ویروس کرونا هم مشکلات اقتصادی در منطقه را دوچندان کرده بود. خیلی از خانواده‌ها، تحت فشارهای بانکی جهت پرداخت اقساط وام‌های بازسازی هستند و بعضاً به دلیل تأخیر در بازپرداخت وام‌ها جریمه خواهند شد. وجود این شرایط خود، نشان از توانایی پایین مالی افراد آسیب دیده دارد. همه مسائل ذکر شده نشان از نسبت بالای وابستگی، افزایش بار تکفل، کمبود شغل، بالا بودن شاخص بیکاری و افزایش جوانان بیکار جویای کار در استان و شهرستان‌های زلزله زده دارد. در کنار مشکلات اقتصادی و بحث ساخت و سازها و تأمین بودجه مورد نیاز خانواده‌ها در مناطق مذکور، تروماهای ذهنی روایت کنندگان حادثه هنوز پابرجاست و برخلاف بازسازی فیزیکی و کالبدی، کمتر به بازتولید روحیه افراد حادثه دیده در منطقه توجه شده است.

۵- نگاهی انتقادی

شهرها در طول تاریخ همواره دستخوش تحولاتی انسانی و طبیعی همچون آتش‌سوزی، زلزله، سیل، جنگ و... شده‌اند که خیلی از آنها در گذر زمان بخصوص طی سال‌های ۸۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی به حال خود رها شده‌اند. در مقابل شهرهایی مثل بغداد و مسکو علی‌رغم اینکه بسیاری از نیروی انسانی خود را در جنگ از دست داده بودند اما با تاب‌آوری روحی و فیزیکی مجدد فراتر از زمان مورد انتظار اقدام به بازسازی روحی و فیزیکی شهر نموده‌اند.

از دهه ۱۸۰۰ میلادی مفهوم تاب‌آوری^۱ در بحث شهر رونق گرفته است و خیلی از شهرها به دنبال وقایع طبیعی و انسانی با تاب‌آوری و بازسازی مجدد به چرخه حیات بازگشته و چه بسا امروزه به‌عنوان مراکز تجاری، توریستی، اقتصادی، فرهنگی و مراکز ایالت‌ها شناخته می‌شوند.

اما سؤالی که به دنبال وقایع طبیعی و انسانی ذهن جامعه‌شناسان شهری و معماران شهری را به خود مشغول کرده است این است که شهرهای مدرن چگونه تاب‌آوری می‌کنند؟ چگونه از پس فاجعه برمی‌آیند؟ آیا پس از فاجعه بحث کالبد و فیزیک شهر مهم است یا گوش فرا دادن به روایت‌ها و گفتمان‌های افراد حادثه دیده و بازمانده از فاجعه؟

در پاسخ به این سؤالات باید گفت که فجایع شهری را معمولاً برحسب مقیاس ویرانی و تلفات انسانی و به گونه‌ای تلفات جانی و مالی و نوع پدیده می‌سنجند. که گاهی فاجعه طبیعی (سیل، زلزله و...) و گاهی هم انسانی (جنگ و آتش‌سوزی و...) است. در بحث تأثیرپذیری از فاجعه گاهی صرفاً حجم فاجعه و خسارت‌های جانی و مالی تعیین‌کننده اثرپذیری فاجعه نیست، بلکه توجه به تروماهای ذهنی و معناهای ذهنی شکل گرفته عاملان در بطن حادثه تعیین‌کننده است، زیرا که به دنبال هر حادثه‌ای مثل زلزله، کالبد شهر و فیزیک شهر دیر یا زود برپا و مجدد احیاء می‌شود و این اثرات روحی، روانی و ذهنیت شکل گرفته از آن حادثه است که سال‌ها بر روی افراد حادثه دیده اثرگذار است و باقی می‌ماند. در گونه‌شناسی فاجعه منشأ شکل‌گیری حادثه نیز مهم است و معمولاً تاب‌آوری در برابر حوادث طبیعی بیشتر از حوادث انسانی است. در بحث بازسازی شهرها بعد از هر حادثه‌ای دو دیدگاه تحت عنوان سلسله‌های نمادین و دیگری سیاست‌های متأثر از فرایندهای نهادی مطرح است که استفاده از هر یک از این سیاست‌ها منوط به بافت فرهنگی، فیزیکی، نوع خسارت (جانی، روحی و روانی، مالی و...) است، هر چند اندازه‌گیری تروماها و دردهای روحی و روانی امری غیرقابل محاسبه است و به عنوان مهمترین بعد به دنبال حوادث باید به آن توجه شود.

اندیشمندان شهری در بحث بازیافت شهری معتقدند که صرفاً نایست به بحث فیزیکی، ساخت و سازها و کالبد شهر به صورت تک بعدی نگاه شود؛ زیرا که شهر علاوه بر بحث‌های مهندسی و تکنوکراتیک نیازمند توجه اساسی به سایر ابعاد از جمله؛ روابط تجاری، اقتصادی، فرهنگی، تراکم ساکنان، ویژگی‌های زیستی و انسانی، روابط انسانی و... باید توجه شود (جی ویل و جی کامپانلا، ۱۴۰۰).

بنابراین می‌توان گفت فهم فجایع و بلاهای انسانی و طبیعی چیزی فراتر از بررسی‌های نهادی، مدیریتی، فیزیکی و نمادین است (چیزی که در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه مشهود است) و باید به ابعاد فرهنگی، روانی، روایت‌های بازماندگان و کنش‌های فرهنگی عاملان در بطن فاجعه هم توجه شود و اینجاست که اندیشمندان حوزه شهری علاوه بر شهر کالبدی و تکنوکراتیک از شهر روایتی در عصر مدرن سخن گفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت بازسازی شهرهای حادثه دیده از بلایای طبیعی و انسانی هم نوعی بازساختن است و هم نوعی بازگویی است و این امر در مناطق زلزله‌زده استان صرفاً در بحث بازسازی خلاصه است و به روایت‌های بازماندگان بی‌توجه و بازسازی شهر بر اساس این روایت‌ها و کنش‌های فرهنگی شهروندان انجام نگرفته است. بازسازی روایتی سبب می‌شود فرد حادثه دیده رویداد طبیعی یا انسانی را جزء حوادث غیرمنتظره و غیرقابل کنترل تصور نکند و نوعی روحیه مقاومت برای بازسازی فیزیکی و روحی در وی شکل گیرد و با تاب‌آوری بیشتری با حادثه رخ داده کنار بیاید. در استان کرمانشاه و شهرستان‌های حادثه دیده، تنها چیزی که بعد از حادثه زلزله مورد توجه بوده است شهرسازی تکنوکراتیک بوده است، نه شهرسازی روایتی، چون شهرسازی روایتی حاصل روایت بازماندگان است و حافظه مردم شهر و روستایی است که خود نظاره‌گر حادثه بوده‌اند و اگر در بازسازی شهر به این روایت‌ها توجه نشود مثل این است که ما صاحبخانه و مستأجری بیش نیستیم؛ یعنی تاریخ و گذشته خودمان را فراموش کرده‌ایم و به روایت‌های بازماندگان بعد از حادثه اهمیت نداده‌ایم.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بشر همواره در ادوار تاریخی تحت تأثیر قدرت لایزال نیروهای طبیعی قرار گرفته و زندگی بشر و حتی سبک زندگی انسانها را هم متأثر کرده است. همواره در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته وقایع و پدیده‌های طبیعی گوناگون مثل سیل، زلزله، طوفان و... اتفاق افتاده است که هر کشور بر اساس ساختار و امکانات موجود برای کاهش خسارت‌ها و بازسازی مجدد تخریبی‌ها تدابیری اندیشیده‌اند. امروزه متأسفانه در جهان و بخصوص در کشورهای درحال توسعه قبل از وقوع هر حادثه‌ای اقدام لازم جهت کاهش خسارات و تلفات ناشی از حوادث صورت نمی‌گیرد و معمولاً متولیان امر بعد از وقوع حادثه به فکر چاره و جبران و کاهش خسارات هستند. همچنین بعد از وقوع هر حادثه‌ای تنها بازسازی مناطق آسیب‌دیده و خسارت‌های فیزیکی و بافت شهری مد نظر قرار می‌گیرد در حالی که مهمترین عنصری که بعد از هر حادثه‌ای بایستی به آن توجه شود عاملیت و ویژگی‌های روحی و روانی و بازسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و توجه به روایت بازماندگان در بازسازی مناطق آسیب دیده است؛ زیرا دیوار و شهر و کالبد دیر یا زود بازسازی خواهد شد و این فکر و روح و جان عاملین حادثه دیده هستند که در صورت بی توجهی یا کم توجهی تبعات زیان‌باری را هم برای خود فرد و هم جامعه به دنبال خواهد داشت.

زلزله کرمانشاه در آبان ماه سال ۱۳۹۶ زندگی ده‌ها هزار نفر را تحت تأثیر قرار داد. این زلزله تنها زیرساخت‌های کالبدی و فیزیکی را ویران نکرده، بلکه ساختارهای اجتماعی، ساختارهای روحی و روانی و ابعاد فرهنگی این مناطق نیز از این اتفاق متأثر شده‌اند. با گذشت بیش از چهار سال از بروز زلزله هنوز هم در مناطق زلزله‌زده مشکلاتی از جمله؛ ناتوان بودن خانوارها از بازپرداخت وام‌ها، بیکاری‌های ناشی از زلزله، کرونا هم مزید بر مشکلات منطقه شده، آسیب‌های روحی و روانی، میزان بالای اجاره‌نشینی، نیمه تمام ماندن ساخت و سازها به علت کمبود بودجه مورد نیاز واسکان اجباری در بخش ساخته شده ساختمان، ناامیدی از آینده، تغییر و تحولات در شیوه و سبک و سیاق زندگی و... حکمفرماست.

در چنین شرایطی، وظیفه بخش خصوصی، حاکمیت و سازمان‌های مردم نهاد این است که شرایط مناسبی برای اشتغال‌زایی هرچه بیشتر جوانان، سرپرستان خانوار و مستأجرین فراهم شود. دولت می‌تواند با پرداخت وام‌های بدون بهره از طریق صندوق‌ها یا بانک‌ها یا حتی کمک‌های مردمی به این عزیزان اعطا شود تا بتوانند با این تسهیلات کار اولیه‌ای راه‌اندازی کنند. اتفاقی که قبلاً در برخی مناطق زلزله‌زده مثل بم اتفاق افتاد و از طریق اعطای وام‌های کم بهره سبب رونق گرفتن مشاغل خانگی و کارگاهی مثل؛ خیاطی، پخت و پز خانگی، بافندگی، کشاورزی خانوادگی، اختصاص مکان برای دامداری و کارگاه‌های کوچک مکانیکی و برقی برای خانوارهای آسیب دیده شد. در واقع بازسازی ابعاد مختلف و ترمیم شغلی، اقتصادی، روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند سه بازوی قدرتمند به نام دولت، نهادهای مدنی و مردم نهاد و مردم است.

با توجه به اینکه توجه به اینکه منطقه کرمانشاه بخصوص شهرستان‌های مرزنشین و زلزله‌زده مثل، سرپل ذهاب و گیلان غرب با عراق هم‌مرز است و شرایط خوبی برای صادرات کالا از مرزهای سومار و پرویزخان و خسروی

به عراق فراهم است، می‌توان از این ظرفیت استفاده نمود و اقدام به ساخت کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ تولیدی و اختصاص سرمایه نمود، که این امر می‌تواند در وهله نخست عاملی باشد در جهت ارزآوری به داخل و توسعه کشور و در وهله دوم به کارگیری نیروهای جوان و جویای کار بومی در این مناطق و اشتغال‌زایی در مناطق زلزله‌زده. این امر از ناامیدی نسبت به آینده شغلی، افسردگی، بزه‌کارهای اجتماعی، طلاق، عدم گرایش به ازدواج در بین جوانان منطقه، آسیب‌هایی مثل خودکشی و اختلافات درون خانواده‌ها جلوگیری خواهد کرد.

فهرست منابع:

- ابراهیم پور، محسن (۱۳۸۸). **پیامدهای جمعیتی زلزله در نواحی آسیب دیده زلزله**. نشریه نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۷: ۳۴-۵.
- الیاسی سرزلی، فاضل (۱۳۹۸). **واکاوی مهمترین مسائل اجتماعی شهر سرپل ذهاب**. دشتستان: هامون نو، تهران.
- الیاسی سرزلی، فاضل (۱۳۹۹). **بررسی آسیبهای روانی- اجتماعی بعد از زلزله**، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲: ۲۸-۵.
- جی ویل، لارنس؛ جی کامپانلا، توماس (۱۴۰۰). **شهر ازنو**، ترجمه نوید پورمحمدرضا، چاپ پنجم، نشر اطراف.
- درویش زاده، علی (۱۳۷۰). **زمین شناسی ایران**. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رهر سوره، سعید؛ زینال پورفتاحی، یحیی (۱۳۸۸). **مطالعه موردی زلزله ۶ آوریل ۲۰۰۹ ایتالیا**. دوره ۱، شماره ۳: ۹۴-۱۰۰.
- سازین، حسین؛ میرزاعلی، محمد؛ کوثری صفا، معصومه (۱۳۹۶). **تحلیل خطر و خسارات زمین لرزه مناطق روستایی**، با استفاده از روش GIS، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره ۱۱.
- کاوه فیروز، زینب؛ محلاتی، حمید؛ نصیبه نورالهی (۱۳۸۸). **نگرش شهر تهران نسبت به زلزله**. نشریه امداد و نجات، دوره ۱، شماره ۱: ۲۷-۱۸.
- کریمی موعاری، زهرا؛ ضیاتباب احمدی، سید مقداد؛ عباس پور، سحر (۱۳۹۷). **بازسازی مناطق آسیب دیده از بلایای طبیعی**: مطالعه موردی مناطق زلزله زده استان کرمانشاه، همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه.
- محمد پور، احمد (۱۳۹۰). **منطق و طرح در روش شناسی کیفی**. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نگارش، حسین (۱۳۸۴). **زلزله، شهرها و غسل ها**. پژوهش های جغرافیایی. شماره ۵۲: ۹۳-۱۱۰.
- وحید، فریدون؛ سلطانی نژاد، امیر؛ سلطانی نژاد، ایوب (۱۳۹۱). **تحلیل جامعه شناختی زلزله بم**. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال دوم، شماره هفتم: ۲۳-۹.
- Cohen, L. And Morrison, K. (2007). **Research Methods in Education**. London: Routledge.
- Given, L.M. (2008). **The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Method**. London: Sage Publications.
- Glick, j., & Birenbaum, M.L. (1998). **perceived preparedness for a mass causality disaster in the United States: A survey prehospital disaster medicine** 1,3.24-43.
- Hammed and sadegh seddighi "How much the Iranian government spent on disasters in the last 100 years? A critical policy analysis". 19 October 2020.
- Hilary Brueck and Peter Kotecki, **New earthquake maps reveal never-before-seen detail about threats to buildings and people** — here's who most is at risk around the world. Dec 24, 2018.
- Tessa Hoover. **The effects of earthquakes around the world**, the economic fallout on western versus non-western countries. June 9, 2020.